

پرداخت نابجا و یا بدون حق:

پرداخت نابجا طوری است که یک شخص شیئی را به گمان این که پرداخت آن وجبیه وی می‌باشد به دیگری بپردازد و بعداً درک نماید که وی مکلف به پرداخت آن نمی‌باشد. این شخص می‌تواند شیء پرداخته شده را دوباره مطالبه نماید. طورمثال احمد مبلغ یک هزار افغانی از محمود مدیون می‌باشد وی به گمان این که ادای دین می‌نماید، مبلغ مذکور را به عوض محمود به جاوید که نسبت به آن هیچ مدیونیتی ندارد اشتبهاً پرداخت نماید، جاوید مکلف است پولی را که بدون حق از احمد اخذ نموده دوباره به وی مسترد نماید. فرق نمی‌کند این پرداخت بی‌جا و ناحق به شخص دارای اهلیت کامل (عقل و بالغ) صورت گرفته باشد و یا به شخص ناقص اهلیت (صغیر، سفه معتوه)، با انعقاد عقد باشد یا بدون انعقاد عقد.

در هر حالت شخصی که پرداخت بی‌مورد را گرفته است، مکلف به استرداد آن به مالک اصلی آن می‌باشد. قابل تذکر دانسته می‌شود، که اگر شخص ناقص اهلیت، یک شیء را توسط انعقاد عقدی بدست آورد، که صلاحیت قانونی انعقاد آن را نداشته باشد و یا تنفیذ آن عقد قانوناً باطل پنداشته شود، تصرف کننده (شخص ناقص اهلیت) مکلف به مسترد نمودن دوباره شیء به مالک اصلی آن می‌باشد. در صورتی که سوی نیت تسلیم شونده غیر مستحق هنگام تسلیمی شیء یا بعد از آن ثابت گردد، علاوه به رد اصل مال به مالک، به پرداخت منفعت حاصله از زمان تسلیمی شیء و جبران خساره ناشی از تصرف آن مکلف می‌باشد.

به هر صورت در مورد ادای دین به موعد تعیین شده اعتبار داده می‌شود. که در آن مدیون مکلف است ادای دین نماید. هرگاه مدیون قبل از رسیدن موعد، به تادیه دین بدون علم از موعد آن اقدام نماید، می‌تواند دینی را که قبل از رسیدن موعد آن تادیه نموده دوباره از داین مطالبه نماید، با وجود آن که داین می‌تواند تنها به رد مفادی که در نتیجه پرداخت قبل از وقت کسب نموده متناسب به ضرر عایده به مدیون اکتفاء نماید. اما اگر وجبیه‌ای که موعد ایفاء آن نرسیده تادیه پول نقد باشد، داین به جبران خساره عایده مطابق صراحت احکام مندرج ماده ۷۳۵ قانون مدنی چنین تصریح یافته است: " (۱) هرگاه مدیون از تادیه دینی تاخیر به عمل آرد که موضوع آنرا پول نقد تشکیل داده و مقدار آن حین مطالبه معلوم باشد، داین می‌تواند جبران خساره ناشی از تأخیر تادیه را که سالانه معادل ۳ فیصد در موضوعات مدنی باشد، مطالبه نماید. (۲) تاخیر جبران خساره در حالی که از موافقه طرفین یا عرف معلوم شده نتواند، از تاریخ مطالبه قضایی آغاز می‌گردد" یا به اساس موافقه طرفین از بابت مدت باقیمانده موعد معینه، مکلف می‌باشد.

یکی از مواردی که بعضی اوقات سبب بروز منازعه بین افراد در جامعه می‌شود، مسئله واگذاری و سپردن مسئولیت ادای دین از طرف مدیون به شخص دیگر می‌باشد. این موضوع طوری واقع می‌گردد، که شخص مدیون دین ذمت خویش را به شخص دیگر واگذار نموده باشد، شخص مذکور دین سپرده شده را ادا نماید، با اجرای این عمل در موقف داین قرار گرفته حق مطالبه دین را از مدیون کرده می‌تواند. اما اگر قبل از این که آن شخص دین سپرده شده را ادا نماید، مدیون اصلی خودش دین را پرداخت نماید. می‌تواند آنچه پرداخت نموده از داین و یا از مدیون (شخص که اداء دین به او واگذار شده) مطالبه نماید. چنانچه قانون مدنی در زمینه چنین تصریح می‌دارد " (۱) هرگاه مدیون دین را به شخص دیگری تفویض نماید، شخص مذکور بعد از تادیه دین به عوض داین اصلی قرار گرفته و می‌تواند از مدیون مطالبه دین نماید. (۲) اگر مدیون قبل از شخصی که تادیه دین به او تفویض گردیده دین را بپردازد، شخص مذکور می‌تواند رد دین را که پرداخته است از مدیون یا داین اصلی مطالبه نماید".

البته مواردی که ذکر شد حالاتی است که شخص دینی که به وی واگذار می‌شود، ادا می‌نماید. هرگاه شخص دین شخص دیگری را بدون این که به وی واگذاری گردیده باشد، تادیه نماید، دین از ذمه مدیون از بین می‌رود. در این حالت به قبولی یا عدم قبولی مدیون در مورد پرداخت اعتبار داده نمی‌شود، در این صورت تادیه کننده صدقه دهنده و خیرات کننده شناخته شده، حق مطالبه آنچه را تادیه نموده است از مدیون ندارد، مگر تادیه کننده وقتی

می‌تواند آنچه را تادیه نموده از مدیون مطالبه نماید، که از قراین طوری معلوم گردد که در تادیه دین مصلحت تادیه کننده بوده و یا وی اصلاً در تادیه دین نیت صدقه و خیرات را نداشته است.

قابل تذکر دانسته می‌شود که بعضاً طوری واقع می‌گردد که یک شخص از مال شخص دیگر بدون اطلاع و اجازه مالک، استفاده می‌نماید که بعضی اوقات سبب بروز دعوی بین آنها می‌شود. حل این دعوی و منازعه طوری صورت می‌گیرد، که هرگاه شخصی مال شخصی دیگری را بدون اجازه وی استعمال نماید، استفاده کننده مکلف به رد مال و پرداخت منافع آن به مالک می‌گردد. مگر این که مال مذکور منقول بوده و استعمال کننده دارای حسن نیت باشد، مکلف به پرداخت منافع نمی‌گردد.

هر گاه جایداد شخصی با جایداد شخص دیگری طوری وصل شده باشد که جدا ساختن آن بدون ضرر غیر ممکن باشد، در این صورت جایدادی که قیمت آن کمتر باشد، بعد از تادیه قیمت، تابع جایدادی شناخته می‌شود که قیمت آن بیشتر باشد.

اگر شخص، گرچه غیر ممیز باشد یعنی زیر سن هفت سالگی قرار داشته باشد، مفادی را بدون سبب مشروع که به ضرر شخص دیگری واقع شود، کسب نماید، به اندازه آنچه کسب نموده، بتادیه جبران خساره برای متضرر مکلف می‌باشد گرچه کسب مفاد ادامه نداشته باشد.

دعوی ناشی از اکتساب بدون سبب در تمام احوال گذشته، بعد از تاریخ علم داین به داشتن حق رجوع آغاز می‌شود و بعد از انقضای مدت (۱۵) سال از تاریخ آغاز حق رجوع شنیده نمی‌شود
نیمه دوم برج جوزا عبدالرحمن عظیمی

کودکان و کارهای سخت

امروزه کار کودک یا کودکان کار به عنوان بزرگترین مشکل حقوق بشری در جهان به شمار می‌رود. به کارگماردن کودکان به کارهای اغلب دشوار و خطرناک بیشتر در کشورهای در حال توسعه جهان رواج دارد، جایی که میلیون‌ها کودک در سنین کودکی به کار مشغول می‌شوند، با این هدف که به اقتصاد و درآمد خانواده خود کمک نمایند. اکثر آنها برای ساعات طولانی و با مزدی اندک و یا حتی بدون مزد مشغول به کار هستند. اغلب آنان در شرایط بسیار خطرناک کار می‌کنند. چون این نوع کارهای خطرناک و استثمارگری پراکنده و دور از چشم می‌باشد؛ لذا مبارزه با آن نیز بسیار دشوار می‌باشد. کودکانی که در شهرهای گسترده، یا روستاهای دوردست، یا در پستوهای خانه‌ها مشغول کار هستند، از دسترسی عملی بازرسان کار و نهادهای مسوول دیگر خارج هستند.

اغلب کودکان کشورهای در حال توسعه کار می‌کنند تا کمک بزرگی به امرار معاش خانواده خود و تامین زندگی خود بنمایند، اعم از کمک‌های نقدی، جنسی و یا از طریق آزاد ساختن سایر افراد خانواده برای کار تولیدی یا نگهداری از برادران و خواهران کوچک‌تر.

بنابراین در صورتیکه نیازهای اساسی خانوار در خطر باشد، هرگونه کوششی برای قطع یکباره نقش اقتصادی کودکان با مقاومت شدید کودکان، خانواده ایشان و جامعه روبرو خواهد شد.

در حالی که تقریباً تمام کشورهای جهان رسماً متعهد به مبارزه با کار کودک هستند؛ اما در عمل بهبودی قابل ملاحظه‌ای در شرایط زندگی کودکان به وجود نیامده است.

قوانین رسمی عمومی‌ترین ابزار حقوقی و اجتماعی اند که برای کاهش یا حذف کار کودک به کار گرفته می‌شود. کشورها براساس ویژگی‌های اقلیمی و فرهنگی خود در قوانین ملی حداقل سن اشتغال را تعیین و شرایط کار کودک را تنظیم می‌کنند؛ مشکل بیشتر در اجرای قوانین است که برعهده بازرسان دولتی است. این بازرسان بایستی به صورت ادواری از کارگاه‌ها و ورکشاپ‌ها بازدید کرده و میزان تطبیق شرایط کار را با قانون بررسی و متخلفین را جریمه می‌کنند، اما در عمل به دلیل پراکنده بودن پنهان ماندن کار کودک و محدود بودن ظرفیت اجرایی، دسترسی مأموران دولت به

کودکان کار فقط محدود به بخش رسمی شهری است، بنابراین لازم است تدابیری اتخاذ شود تا حمایت قانونی از کودکان شاغل در قریه ها و روستاها نیز گسترش یابد.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد به منظور خوشبختی و راحتی کودکان و برخورداری آنان از حقوق و آزادیهای ویژه انسانی، اعلامیه حقوق کودک را به تصویب رساند. در این اعلامیه از پدران و مادران به عنوان افراد جامعه، سازمان‌های داوطلب، مقامات محلی و دولتها خواستار گردید، تا این حقوق را به رسمیت شناخته و در جهت رعایت این حقوق از طریق قوانین و سایر تمهیدات لازم و مناسب‌اتمام ورزند.

در اعلامیه تأکید گردیده که کودک باید از حمایت ویژه برخوردار شود و امکانات و وسایل ضروری جهت پرورش بدنی، فکری، اخلاقی و اجتماعی وی به نحوی سالم و طبیعی و در محیطی آزاد و محترم توسط قانون یا مراجع ذیربط در اختیار وی قرار گیرد و در وضع قوانینی بدین منظور منافع کودکان باید بالاترین اولویت را داشته باشد. کودک باید از آموزش رایگان و اجباری، حداقل در مدارج ابتدائی بهره‌مند گردد.

کودک باید در برابر هر گونه غفلت، ظلم، شقاوت و استثمار حمایت شود. کودک نباید به هر شکلی وسیله مبادله قرار گیرد. کودک نباید قبل از رسیدن به حداقل سن مناسب به استخدام درآید و نباید به هیچ وجه امکان و یا اجازه استخدام کودک در کارهایی داده شود که به سلامت یا آموزش وی لطمه زده و یا باعث اختلال رشد بدنی، فکری و یا اخلاقی وی گردد.

قسمت دوم - فیض الله خواجه امانی - ۳۰ جوزا ۱۳۸۸

تکرر محدود و تکرر نامحدود

به ادامه شماره قبلی...

طرفداران تکرر محدود می‌گویند هرگاه ارتکاب جرم دومی در مدت معین بعد از محکومیت اولی به وقوع بپیوندد تکرر محدود می‌باشد. اما طرفداران تکرر نامحدود قید زمان را بین محکومیت اولی و ارتکاب جرم دومی ضرور نمی‌دانند. طرفداران نظریه محدود به این عقیده اند خطاری که از محکومیت اولی برای مجرم داده می‌شود تاثیرات خود را تا یک زمان معین حفظ می‌نماید و بعد از مرور مدت زمانی تاثیرات خود را از دست می‌دهد اگر مجرم بار دیگر مرتکب جرم شود رابطه‌ای بین محکومیت جرم اولی و ارتکاب جرم دومی وجود ندارد. محکومیت اولی باعث گردیده تا یک زمان معین مجرم، جرمی را مرتکب نشود؛ اما اگر بعد از گذشت مدت زیاد بازهم مجرم مرتکب جرم می‌شود، ضرور نیست که جزای شدید تر بالایش تطبیق شود که گویا مجرم متکرر است. در این صورت تعیین جزای بدون تشدید هم کافی شمرده می‌شود، اما کسانی که طرفدار تکرر نامحدود هستند دلایلی دارند که به شرح ذیل ارایه می‌گردد، ایشان معتقدند که مرور زمان واقعه یا جرم ارتکاب یافته را نمی‌تواند از بین ببرد؛ در صورتی که مجرم با ارتکاب جرم خود را به حیث شخصی خطرناک تبارز می‌دهد، نمی‌تواند بعد از گذشت مدت زیاد این حالت خطرناک بودن خود را تغییر دهد لذا با وجود محکومیت به جزای جرم اولی اگر بار دوم مرتکب جرم می‌گردد و عدم اصلاح خود را به اثبات می‌رساند این نظر که تطبیق جزای دومی بالایش بدون تشدید باشد کارا نخواهد بود زیرا که گذشت زمان بالای مجرم تاثیر نداشته بعد از محکومیت اولی بازهم مرتکب جرم دومی می‌گردد در این صورت موصوف تمایل جرمی قبلی خود را از دست نداده معلوم می‌شود که باگذشت زمان این تمایل از بین نرفته است.

تکرر ملی و تکرر بین المللی

طرفداران نظریه تکرر ملی می‌گویند محکومیت اولی که اساس تکرر را تشکیل می‌دهد باید از طرف محاکم داخلی صورت گرفته باشد و اگر شخصی خارج از مملکت مرتکب جرم می‌شود و از طرف محکمه خارجی محکوم به جزا می‌گردد و

زمانی که به کشور بر می‌گردد و مرتکب جرمی می‌شود و از طرف محاکم داخلی محکوم به جزا می‌شود با وی چنان رفتار خواهد گردید مانند آن که اولین بار مرتکب جرم شده باشد

اما طرفداران تکرر بین‌المللی معتقدند که محکومیت چه از طرف محاکم داخلی باشد یا بین‌المللی، فرقی ندارد در هر حالت محکومیت، محکومیت است باید شخصی که بار دوم مرتکب جرم می‌شود به حیث مجرم متکرر شناخته شود.

- بعضی سیستم‌هایی است که در رابطه به تکرر نظریات ارائه داشته‌اند از جمله سیستم الغا:

طرفداران این سیستم می‌گویند باید از پرنسیپ (در مقابل یک جرم دو مجازات نیست) پیروی به عمل آید اگر مسأله جرم دومی جدی گرفته شود از این که، تکرار اضرار مادی و معنوی ناشی از جرم اولی را زیاد نمی‌کند از یک طرف و از سوی دیگر اگر مجازات از اثر ارتکاب جرم دومی تشدید گردد موضوع از ساحه حقوق جزا خارج شده به ساحه اخلاق داخل می‌گردد که در این حالت شخص از اثر حرکت خودش نه؛ بلکه از اثر فرضیه‌های که در مورد حرکت موصوف صورت می‌گیرد، مجازات می‌شود چون تکرر صفت شخصی است بناءً لزوم به تشدید مجازات دیده نمی‌شود.

همچنان ایشان می‌گویند جرم و جزا دو مفهومی هستند که برای تامین عدالت فعالیت می‌نمایند. در این مفاهیم فاعل و مجنی علیه (متضرر) جداگانه در نظر گرفته می‌شوند.

در این صورت مجرم هرکسی که باشد خواه مجرم ابتدائی باشد و یا کسی که جدیداً از محبس بر آمده باشد، کدام فرقی نکرده و از اثر تکرر، مجازات تشدید نمی‌یابد.

- اما سیستم الغا، امروز چندان جای نداشته و به فراموشی سپرده شده است، به خاطر این که تقریباً تمام قوانین یکی از سیستم تکرر را پیش بینی کرده است، کسانی که سیستم الغا را رد می‌کنند می‌گویند هدف از پرنسیپ (در مقابل یک جرم دو مجازات نیست) این است که تشدید مجازات در صورت ارتکاب جرم دومی تزیید جزا بر مجازات اولی نبوده؛ بلکه هنگام اصدار حکم در نظر گرفتن حالت معنوی و روحی است که هنگام ارتکاب جرم در فاعل موجود می‌باشد، از جانب دیگر هدف بیشتر حمایه جامعه از خطر است که در مقابل جرم دومی احساس می‌نماید ازین لحاظ مجازات باید تشدید یابد.

کسانی که نظر سیستم الغا را در مورد تشدید مجازات از اثر تکرر و خارج شدن از ساحه حقوق جزا و داخل شدن در ساحه اخلاق را رد نموده می‌گویند، احساس درونی فاعل در ارتکاب جرم ایجاب می‌نماید تا جرایم بعدی را به صورت آفاقی شدید در نظر بگیریم؛ زیرا اخلاق حقوق به صورت دوامدار توسط یک نفر امنیت عامه را متزلزل ساخته عدم تشدید مجازات خود بخود باعث ایجاد تردد می‌گردد. بناءً تشدید مجازات جرم دومی اخلاقی نبوده، بلکه حقوقی است.

گفت و گو با رئیس انسجام، بررسی و ثبت‌سازمانهای اجتماعیو احزاب سیاسیوزارت عدلیه محترم محمد ناصر " حافظی " رئیس انسجام، بررسی و ثبت سازمانهای اجتماعی و احزاب سیاسی که از بدو تاسیس این ریاست به صورت عضو بررسی و سپس به عنوان مدیر عمومی صدور جواز و معاون ریاست مزبور ایفای وظیفه نموده است.

س: لطفاً در مورد تاریخچه این ریاست معلومات مختصر برای خوانندگان ما ارائه نماید؟

ج: به اساس قانون احزاب سیاسی سال ۱۳۶۶ درخواست ایجاد حزب سیاسی به شورای انقلابی وقت تقدیم می‌گردید و مطابق قانون احزاب سیاسی سال ۱۳۶۹ در خواست تشکیل حزب سیاسی به شورای عالی ستره محکمه ارجاع گردیده بود. و قانون سازمانهای اجتماعی سال ۱۳۶۹ درخواست تاسیس سازمانهای اجتماعی رابه مقام ریاست دولت وقت راجع ساخته بود .

همانطوریکه مردم شریف ما اطلاع دارند به مرور ایام امور مربوط به انسجام، بررسی و ثبت سازمانهای اجتماعی به اساس فرمان شماره ۱۵۲ مورخ ۱۳۸۱/۸/۵ و قانون سازمانهای اجتماعی سال ۱۳۸۱ و قانون احزاب سیاسی سال ۱۳۸۲ به وزارت عدلیه مربوط گردیده است که این ریاست در چوکات وزارت عدلیه به منظور سازمان دهی احزاب سیاسی و سازمانهای اجتماعی ایجاد گردید.

س: لطفاً بفرمایید که از کدام تاریخ وزارت عدلیه مسئولیت ثبت سازمانها و احزاب سیاسی را به عهده گرفته است

ج: ریاست انسجام به اساس فرمان شماره ۱۵۲ مورخ ۱۳۸۱/۸/۵ رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان برای انسجام امور، بررسی درخواست، اساسنامه و ثبت سازمانهای اجتماعی و سایر فعالیتهای مرتبط با آن تاسیس گردیده است فعالیت های این ریاست در مورد ثبت سازمانها به اساس احکام قانون سازمانهای اجتماعی منتشره جریده رسمی شماره ۸۰۴ سال ۱۳۸۱ تثبیت گردیده استو همچنان در این قانون مواردی که احکام درباره قانون سازمانهای اجتماعی (جمعیت ها و انجمن ها) پیش بینی نگردیده باشد با نظر داشت حکم ماده ۲۳ این قانون و احکام مواد ۴۰۳-۴۰۹ قانون مدنی در مورد، تطبیق و اجراءات می گردد. متذکر می شویم از آنجایی که نظام کشور بر مبنای دموکراسی و تعدد احزاب سیاسی استوار می باشد، بناءً قانون احزاب سیاسی و مقرر طرز ثبت احزاب سیاسی جریده رسمی شماره (۸۱۲) سال ۱۳۸۲ به منظور توضیح طرز تاسیس، نحوه فعالیت، حقوق و وجایب و انحلال احزاب سیاسی نافذ گردیده است. ریاست انسجام، بررسی و ثبت سازمانهای اجتماعی و احزاب سیاسی وزارت عدلیه با نظر داشت قوانین و مقرر فوق الذکر و به ویژه حکم ماده ۳۵ قانون اساسی ایفای وظیفه نموده که ذیلاً مشعر است:

«اتباع افغانستان حق دارند به منظور تامین مقاصد مادی یا معنوی، مطابق به احکام قانون، جمعیت ها تاسیس نمایند

اتباع افغانستان حق دارند، مطابق به احکام قانون، احزاب سیاسی تشکیل دهند، مشروط بر این که:

۱- مرامنامه و اساسنامه حزب ناقض احکام دین مقدس اسلام و نصوص و ارزشهای مندرج این قانون اساسی نباشد؛

۲- تشکیلات و منابع مالی حزب علنی باشد؛

۳- اهداف و تشکیلات نظامی و شبه نظامی نداشته باشد؛

۴- وابسته به حزب سیاسی و یا دیگر منابع خارجی نباشد؛

تاسیس و فعالیت حزب بر مبنای قومیت، سمت، زبان و مذهب فقهی جواز ندارد.

جمعیت و حزبی که مطابق احکام قانون تشکیل می شود، بدون موجبات قانونی و حکم محکمه با صلاحیت منحل نمی شود».

س: محترم حافظی صاحب! جهت آگاهی خوانندگان ما لطفاً بفرمائید که تابعال چه تعداد احزاب سیاسی و سازمانهای اجتماعی ثبت گردیده است؟

ج: تا فعلاً این ریاست موفق گردیده است ۱۶۲۲ سازمان اجتماعی و ۱۰۸ حزب سیاسی را ثبت نموده و جواز فعالیت برای آنان اعطا نماید.

س: در صورت امکان از سائر فعالیتهای مرتبط به وظیفه ای که شما در این ریاست انجام داده اید برای خوانندگان نشریه آگاهی حقوقی معلومات دهید؟

علاوه بر امور محوله، ریاست مزبور با همکاری سائره همکاران موفق گردیده است که بیوگرافی رهبران سیاسی، اساسنامه و مرامنامه های آنان را در دو جلد به منظور مطالعه به دسترس علاقه مندان قرار دهد.

ثبت اساسنامه، مرامنامه های تمام احزاب سیاسی و اساسنامه های سازمانهای اجتماعی به شکل نرم افزار در (CD) نیز

تهیه گردیده است که علاقه مندان می توانند از وزارت عدلیه آن را بدست آورند. و اکنون اسناد ۶ حزب سیاسی و ۴۲

سازمان اجتماعی تحت دوران و بررسی قانونی قرار دارد که در صورت تکمیل نمودن شرایط قانونی جواز فعالیت برای

آنان اعطا خواهد گردید .

مسئولیت‌های ریاست عمومی حقوق مرکز

ارائه آگاهی عامه حقوقی

همان گونه که می دانیم اکثریت مردم ما از موضوعات حقوقی به طور کامل آگاهی ندارند، این مسأله باعث گردیده است که یک سلسله حق تلفی‌ها و قانون شکنی‌ها در جامعه واقع گردد.

جهت تأمین نظم، استقرار امنیت و تحکیم قانونیت در جامعه دولت ملزم به سازمان دهی برنامه های آگاهی عامه حقوقی می باشد. تا مردم بدانند که در اجتماع دارای کدام حقوق و امتیازاتی می باشند و از جانب دیگر وجایب و مکلفیت‌های خود را در برابر سایر افراد به خوبی درک نمایند.

بناءً شورای رهبری وزارت عدلیه جهت نیل به اهداف فوق تصمیم اتخاذ نمودند که آمریت آگاهی عامه حقوقی را در ریاست عمومی حقوق مرکز، مدیریت عمومی آگاهی عامه حقوقی را در ریاست حقوق ولایت کابل و در سایر ولایات اعضای آگاهی عامه حقوقی را در ادارات مربوطه حقوق فعال نمایند.

با توجه به استراتیژی انکشاف ملی؛ وزارت عدلیه یک استراتیژی آگاهی حقوقی را ذیلاً ایجاد و هماهنگ خواهد نمود:

- شنا سایی آنهایی که از سیستم عدلی استفاده می کنند و دستیابی خصوصی به ضروریات عدلی هر استفاده کننده .

تقویت آگاهی حقوقی ذریعه سازمان دهی پیغام ها به عامه مردم از طریق رسانه های ملی و ساحوی.

فراهم آوری دسترسی مردم به نهادهای عدلی و قضایی توسط معلومات موجود راجع به موقعیت های نهادهای عدلی و قضایی جهت بهتر سازی ظرفیت دسترسی .

با نظر داشت استراتیژی انکشاف ملی و استراتیژی سکتور عدلی و قضایی برنامه آگاهی حقوقی طور ذیل خواهد بود:

طوری طرح گردد که با استفاده از انواع مختلف وسائل ارتباطی مانند نشرات رادیویی، فلمهای تعلیمی، اعلانات و ورکشاپها بتوانند به افراد بی سواد یا نیمه سواد رسیدگی کنند.

ارتباط مستمر و دوامدار با بزرگان محل که در حل و فصل دعاوی به شیوه سنتی دخیل اند جهت بلند بردن سطح آگاهی حقوقی شان .

ارائه معلومات برای شهروندان در ارتباط به حقوق و وجایب قانونی شان و همچنان تاکید روی حقوق بشر، خصوصاً در بخشهای که حقوق اطفال و زنان را در بر می گیرند.

نشر فیصله ها و هدایات مهم از سوی محاکم، لوی خازنوالی و وزارت عدلیه

داشتن نظارت و ارزیابی با قاعده غرض تشخیص مفیدیت.

آمریت آگاهی عامه حقوقی از سال ۱۳۸۵ بدین سو فعالیتهای خویش را از طریق رسانه های همگانی و تبلیغات ساحوی در بین اقشار مختلف مردم آغاز نموده است. از دست آورد های عمده این بخش می توان انتشار دوهفته نامه آگاهی حقوقی، پوسترها و بروشورهای کثیری حقوقی مورد نیاز مردم را نام برده و همچنان از تبلیغات ساحوی نواحی شهر کابل و ولسوالیهای ولایت کابل نیز می توان یادآور شد. این آمریت با همکاری همه جانبه با موسسه محترم یوان دی پی، بانک جهانی و موسسه جی تی زید برنامه های وسیع آگاهی عامه حقوقی را در چندین ولایت در آینده نه چندان دور اجرا خواهند نمود.

تئوری حوادث غیر مترقبه

گاهی چنان می‌شود که عقد برای مدتی دوام می‌کند و شرایط اقتصادی طوری تغییر می‌خورد که انجام التزام، به خساره ملتزم تمام می‌شود

در صورتی که تنفذ التزام توسط ملتزم ناممکن شود این حالت تحت قاعده قوه قاهره یا (فورس ماژور) می‌آید که التزام ناشی از عقد به کلی سقوط می‌کند.

نظریه یا تئوری حالت غیر مترقبه در قرون وسطی از کلیسا ظهور کرد و این نظریه نتوانست تا مدتی در قوانین راه یابد. زیرا اگر این نظریه قبول می‌گردید امکان ادعا خساره توسط یک طرف عقد همیشه موجود می‌بود. یک حالت زلزله و بی‌ثباتی برای عقد ایجاد می‌گردد در حالی که برای ثبات عقد لازم است تا عقد تحت همان شرایطی که به وجود آمده عملی گردد. بدون این که خساره یک طرف عقد در نظر گرفته شود.

کسانی که نظریه حالات غیر مترقبه را اعتبار می‌دهند بعضی از ایشان آن را به اساس حسن نیت طرفین عقد پایه گذاری نموده‌اند یعنی طرفین عقد هنگام انعقاد یک عقد حسن نیت می‌داشته باشند، تا طرفین عقد از مقوله بهره‌مند شوند و یکی برای دیگری اراده خیر و برکت را می‌کند.

البته خساره یک طرف عقد خاصاً تحمل یک خساره بزرگ یک جانب در اثر عقد خلاف توقع و حسن نیت طرفین می‌باشد.

بعضی نظریه حالات غیر مترقبه را به اساس پرنسیب (متمول شدن بدون سبب) قابل اجرا می‌دانند یعنی یک جانب عقد نباید به حساب خساره جانب مقابل صاحب مفاد زیاد گردد.

نظریه حالات غیر مترقبه در قانون عام

گرچه نظریه حالات غیر مترقبه به سبب حمایت عقد از زلزله و بی‌ثباتی در قانون خاص جایی پیدا نکرده، اما در مرحله اول به حیث یک شرط برای قرض دادن در قراردادهای بین‌المللی در قانون بین‌الدول عمومی و بعد از آن در قوانین اداره راه یافت. مثلاً هنگام جنگ جهانی اولیک شرکت گاز به رساندن گاز برای شهر بوردو در فرانسه قرارداد کرده بود قیمت یک تن گاز در آغاز جنگ جهانی اول به ۲۸ فرانک می‌رسید این قیمت در ۱۹۱۵ به فی تن گاز ۷۳ فرانک بالا رفت. هنگامی که موضوع به مجلس شورای فرانسه پیش شد به تعدیل قرار داد حکم کرد و از آن به بعد احکام دیگری در زمینه قراردادهای اداری به ارتباط تعدیل عقد به اثر حالات غیر مترقبه صادر شد.

نفوذ تئوری حالات غیر مترقبه در قانون خاص

نظریه حالات غیر مترقبه در ساحه قوانین خاص اخیراً جای خود پیدا کرد، مثلاً قانون مدنی پولند در ماده ۶۶۹ خود تصریح می‌کند که در صورت استثنایی مثل جنگ یا هلاک شدن محصول و غیره که سبب خساره بزرگ به یک طرف عقد می‌شود که طرفین عقد هنگام انعقاد قرار داد توقع آن را نداشتند در صورتی که محکمه ضرورت احساس کند به اساس حسن نیت و نظر داشت توازن منافع طرفین عقد، می‌تواند طریقه تنفیذ عقد را معین سازد و یا مقدار آن را محدود گرداند. و یا به فسخ عقد حکم کند.

قانون مدنی‌ایتالیا نیز در ماده ۱۴۶۷ برای جانب متضرر حق مطالبه فسخ عقد و برای جانب مقابل حق مطالبه تعدیل شروط عقد را مطابق به اساسات عدالت داده است. همچنان ماده ۱۴۷ قانون مدنی مصر برای قاضی صلاحیت داده تا در حالات استثنایی که سبب خساره بزرگ یک طرف عقد گردد با نظر داشت حفظ توازن منافع طرفین التزام را در حدود معقول تعدیل نماید.

قانون مدنی افغانستان نیز در ماده ۱۴۲۷ خساره ناشی از حوادث غیر مترقبه را گرچه در عقد دهقانی قابل جبران دانسته اما از روحیه آن معلوم می‌شود که در واقع پرنسیب جبران خساره ناشی از حوادث غیر مترقبه را می‌شناسد.

شروط تطبیق حالات غیر مترقبه

تئوری حالات غیر مترقبه وقتی در نظر گرفته می شود که شرایط ذیل موجود باشد:

۱- عقد از جمله عقود باشد که تنفیذ آن مدتی را ایجاب کند و بین آغاز عقد و ختم، فاصله زمانی موجود باشد. البته عقود احتمالی مثل عقد مشروط بستن بر یک مبالغه عقد تجارت در بازار، بورس از قاعده فوق مستثنی است یعنی تحت قاعده حالات غیر مترقبه نمی آید.

۲- بعد از عقد حوادث استثنایی مثل زلزله، جنگ، صدور قانون جدید، الغای نرخ سابق، نرخ گذاری جدید یا ارتفاع اسعار نسبت به طایفه از مردم رخ دهد. حوادث خاص به مدیون از قبیل افلاس، سوختن محصول یا اعتصاب کارگران برای تطبیق قاعده حالات غیر مترقبه کفایت نمی کند.

۳- توقع رخ دادن همچو حوادث هنگام عقد شده نمی تواند، اگر پیش بینی آن ممکن باشد مثل پیش بینی خشک شدن آب از یک زمین اجاره شده قاعده فوق مستثنی گفته می شود.

۴- تنفیذ عقد موجب مشکلات و خساره زیاد گردد چه در این صورت خساره را دو طرف فورس ماژور که تنفیذ عقد ناممکن می گردد به فسخ عقد حکم می شود.

حکم تطبیق حالات غیر مترقبه

در صورتی که یک عقد تحت حکم حالات غیر مترقبه قرار گیرد محکمه با در نظر داشت مصلحت طرفین عقد برای رفع خساره بزرگ از شانه یک طرف، طرق ذیل را در نظر می گیرد.

۱- یا التزام شخص خساره مند را از نظر مقدار کمتر می سازد مثلاً اگر شخصی مکلفه رسانیدن ده خروار غله باشد آن را به پنج یا کمتر از آن تقلیل می دهد.

۲- یا التزام جانب مقابل را زیاد می سازد مثلاً اگر قیمت فی سیر غله صد افغانی باشد آن را به یک صد و پنجاه افغانی یا کمتر از آن با لا می برد.

۳- یا این که تنفیذ عقد را تا وقت از بین رفتن حالت غیر مترقبه معطل قرار می دهد.

قانون مدنی افغانستان به ارتباط حوادث غیر مترقبه ماده ۱۴۲۷ را در باره عقد دهقان احتوا می کند که در آن می گوید:
(هرگاه حالات به اثر حوادث غیر مترقبه تماماً یا قسماً از بین برود هر دو طرف به صورت مساویانه متحمل خساره گردیده یکی بر دیگری رجوع کرده نمی تواند.)

البته به صورت عموم در زمینه حوادث غیر مترقبه چیزی در قانون مدنی افغانستان به نظر نمی خورد ولی از آن جایی که اگر کدام موضوع در قانون صراحت نداشته باشد به احکام فقهی مراجعه می شود مطابق به قاعده فقهی که می گوید:

الضرر یزال، یعنی ضرر از بین برده می شود خساره ناشی از حالت غیر مترقبه که به جز ضرر چیزی دیگری نیست، نسبت به شخص خساره مند قابل توجه و کمک می باشد.

گلالی سنگر خیل عزیزی

نگاهی مختصر به قانون بیمه

به تاسی از حکم ماده هفتادونهم قانون اساسی افغانستان، قانون بیمه به اساس مصوبه شماره (۱۹) مورخ ۱۳۸۷/۴/۲۴ شورای وزیران به داخل (۸) فصل و (۴۴) ماده تأیید گردیده است. قانون بیمه با رعایت از حکم مندرج ماده دهم قانون اساسی افغانستان به منظور تنظیم امور مربوط به بیمه، وضع گردیده است.

در فصل اول این قانون اهداف این قانون توضیح گردیده که عبارت از مصونیت حیات و فعالیت های اقتصادی و اجتماعی، جلب سرمایه گذاری در بخش های مختلف بیمه، ارتقای سطح عرضه خدمات بیمه. علاوه بر این فصل تعاریف بعضی اصطلاحات آورده شده است که شامل بیمه، بیمه کننده، نماینده فروش، بیمه شونده، حق البیمه، جبران خساره، موضوع

بیمه، بیمه نامه، حادثه، ذخیره بیمه، بیمه اتکائی، جبران بدون الزام، شرکت کنترولی همچنان مطالبی در ارتباط به موارد بیمه، مراجع مسؤول آورده شده است که مکلفیت های هر یک را در برابر دیگر آن روش می سازد.

در فصل دوم این قانون روی موضوعات عقد بیمه، حق بیمه و جبران خساره مطالب گنجانیده شده است در مورد ثبت عقد بیمه آمده است که سند عقد بیمه در دفتر بیمه کننده ثبت می گردد. اسناد، اوراق و فورمه های که در ترتیب عقد، مورد استفاده قرار می گیرد، بنام ضمایم آن یاد شده و در دفتر بیمه کننده حفظ می شوند. همچنان بیمه کننده حق دارد موضوع بیمه را معاینه نماید. و بیمه کننده و بیمه شونده مکلف اند، حین عقد بیمه از مطالبی که موجب تزئید یا تخفیف مسوولیت آنها می گردد، طرف مقابل را آگاه می سازد. علاوه بر مطالب حق بیمه، جبران خساره، جبران بدون الزام و مرور زمان روشنی انداخته شده است.

در فصل سوم این قانون در رابطه به فعالیت های شرکت های بیمه توضیحات داده شده است که شامل ایجاد شرکت های بیمه، جواز نامه فعالیت، تضمین و فیس جواز نامه، معیاد اعتبار جواز نامه و تجدید آن، جواز نامه فعالیت اشخاص خارجی، عدم واگذاری و سایر عرضه کنندگان خدمات بیمه را به صورت واضح توضیح نموده است. در فصل چهارم آن روی موضوعات تفتیش مالی صحبت به عمل آمده است که موضوعات امور حسابی، امور حسابداری، ارایه گزارش شرکت تحت کنترل، ثبت جداگانه بیمه، محتویات گزارش معلومات مفصل ارایه گردیده است. در فصل پنجم این قانون به موضوعاتی پیرامون مکلفیت ها و مسوولیت ها که شامل مسوولیت جبران خساره، حالات عدم جبران خساره، اطلاع از وقوع حادثه، تدابیر وقایوی، انتقال مسوولیت بیمه شونده و حق بیمه اضافی پرداخته شده است. در فصل ششم آن روی موضوعات موارد بطلان و فسخ بیمه نامه مطالبی گنجانیده شده است که شامل بطلان، حالات فسخ بیمه نامه می شود همچنان آمده است که در کدام حالات بیمه فسخ و بطلان می گردد به صورت واضح بیان گردیده است.

در فصل هفتم این قانون روی موضوعات احکام جزایی آن پرداخته شده است که شامل تعلیق جواز نامه فعالیت، معلومات کاذب جهت دریافت جبران خساره، گزارش خلاف حقیقت، منع افشای اسرار و اسناد محرم، عدم تطبیق پلان کار، اشکال تأدیب و فسخ جواز در صورت عدم تجدید مطالبی آمده است.

در فصل هشتم آن روی موضوعات احکام متفرقه که شامل انحلال شرکت های بیمه، انتقال حقوق به ورثه، بیمه اتکائی، حل و فصل منازعات، رعایت قوانین، وضع مقررہ ها و لوائح و انفاذ پرداخته شده است که مکلفیت های هر یک را در مورد دیگر آن واضح ساخته است.

یکی از ویژگی های این قانون اینست که بعد از جنگ های طولانی در کشور نیاز مبرم دیده میشد تا تعدیلات در این قانون آورده شود و مطابق شرایط کنونی جامعه آماده شود بعد از تحقیق و ارزیابی زیاد این قانون نافذ گردید و قانون قبلی آن ملغی اعلان شده که مکلفیت های بیمه شونده و بیمه کننده را در مورد یک دیگر روشن ساخته است.

بعد از توشیح، نشر و انفاذ قانون جدید قانون بیمه منتشره جریده رسمی شماره (۶۹۴) مورخ ۳۱ جوزا سال ۱۳۶۸ و فرمان شماره (۱۱۸) مورخ ۱۳۸۴/۹/۲۷ رئیس جمهور اسلامی افغانستان در باره تعدیل و حذف برخی از مواد قانون بیمه منتشره جریده رسمی شماره (۸۷۴) مورخ ۱۳۸۴/۱۱/۵ ملغی پنداشته می شود

اصطلاحات حقوقی

انتخابات: رأی دادن و انتخاب کردن فرد یا افرادی برای پیشبرد اموری و یا نهاد معین.
انتخابات مستقیم: انتخاباتی که مردم مستقیماً بدون کدام واسطه اشتراک و کاندیدای مورد نظر خویش را انتخاب می نمایند.

انتخابات تغییر مستقیم: انتخاباتی که مردم تو سط نماینده های منتخب شان کاندیدای خود را انتخاب می نمایند.

انطباق قوانین: مطابقت اسناد تقنینی و قوانین با احکام قانون اساسی و سایر قوانین نافذه. اهلیت حقوقی: صلاحیت قانونی برای دارا بودن حق و وجیبه، یعنی این که شخص بتواند داری حقوق و وجایب معین شود و یا صلاحیت اعمال حق و ادای وجیبه را داشته باشد. آرشیف: محلی که در آن اوراق و اسناد رسمی به طور منظم نگهداری می شود. آزادی سیاسی: حقی که به اساس آن هر فرد می تواند به اراده و رضایت خود بدون مداخله دیگری مطابق به احکام قانون آزادانه انتخاب شود یا انتخاب نماید. آزادی عقیده: آزادی ای که هر کس می تواند، هر عقیده ای را که می خواهد اختیار نماید. آزادی فردی: آزادی ای که بر مبنای آن هر شخص در هر موردی که خواسته باشد، بنا بر تصمیم خود اقدام کند. اتباع: تمام اشخاص (حقیقی و حکمی) شامل نفوس یک کشور که تابعیت همان کشور را دارا باشند. اثر حقوقی: نتیجه یا نتایج ناشی از یک تصرف حقوقی یا حادثه حقوقی. احترام به حق: وجیبه ای که شخص به حقوق دیگران احترام گذاشته، از ضرر و یا مداخله در آن خود داری نماید.

قاموس اصطلاحات حقوقی

ملاقات وزیر عدلیه با سفیر جدید ایالات متحده امریکا در افغانستان
آقای سرور دانش وزیر عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان، روز چهارشنبه ۲۰ جوزا ۱۳۸۸ در محل کارشان با آقای آیکن بیری سفیر جدید ایالات متحده امریکا در افغانستان ملاقات نمودند. وزیر عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان و سفیر ایالات متحده امریکا روی موضوعات مختلف عدلی و قضایی کشور گفتگو نمودند.
آقای آیکن بیری با اشاره به نقش مهم وزارت عدلیه در حکومت داری، قانون گذاری و اصلاح قوانین گفت که ما با استراتیژی جدیدی وارد افغانستان شده ایم، اما مشکلات زیادی پیش رو داریم؛ ولی متعهد هستیم تا این مشکلات را حل کنیم. وزیر عدلیه نیز از تقرر جنرال آیکن بیری به حیث سفیر ایالات متحده امریکا در افغانستان اظهار خوشحالی کرد و گفت که امیدوار است تا با درایت ایشان همکاری بیشتری داشته باشیم.
وزیر عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان نیز در سخنانش اظهار داشتند که بخش حکومت داری پس از سکتور امنیت، سکتور عدلی و قضایی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. وی افزود: در این بخش انتظارات مردم و جامعه جهانی زیاد بوده، ولی به اندازه این انتظارات کار نشده است، گرچه در چند سال اخیر کارهای خوبی صورت گرفته و بهبود نسبی به وجود آمده، ولی مطابق انتظارات نبوده است. در این مدت در بخش های مختلف ستره محکمه و وزارت عدلیه در قسمت ریفورم کارکنان، اعمار زیربناها و همین گونه در قسمت قانون گذاری پیشرفت هایی داشته ایم، ولی در ولایات کشور تغییرات لازم به وجود نیامده است.
وزیر عدلیه با اشاره به کنفرانس بین المللی روم گفت که پس از این کنفرانس هم بین ارگان های عدلی و قضایی در داخل کشور و هم بین سکتور عدلی و قضایی با جامعه جهانی هماهنگی به وجود آمده، استراتیژی مشترک و پروگرام ملی عدلی و قضایی ساخته شده است که در هماهنگی با کشورهای کمک دهنده بوده است. اما دو مشکل در این زمینه وجود دارد یکی اینکه کمک های دونه ناچیز است و دیگر اینکه سرعت کار و پیشرفت پروژه ها کند می باشد.
سفیر ایالات متحده امریکا نیز ضمن ابراز علاقمندی نسبت به همکاری کشورش در بهبودی سکتور عدلی و قضایی افغانستان در مورد پیشرفت پروژه های عدلی و قضایی و همکاری بیشتر با این سکتور، در این موارد و مسایل و مشکلات دیگری که وجود دارد، بحث و تبادل نظر کردند.